

Presenting the Epistemological Model of Quranic Intellectual Education in Elementary School

Shamsuddin Khazalia*

Mahshid Izadi**

Mahdi Davaee***

Fahime Ansarian****

Introduction

The present study was carried out with the aim of presenting an epistemological model of Quranic intellectual education in the elementary school.

Method

This research is fundamental-applied in terms of its purpose and in terms of data collection, the research method is mixed. In terms of the method of implementation, the researcher's effort is based on the use of grounded theory method (interview with experts) and the use of descriptive survey method, which collects research information data in two qualitative and quantitative stages. The statistical community in the qualitative part of the research included education experts, and non-random purposeful sampling method was used to determine the samples, and the number of 20 people was considered as the sample size using the saturation principle. The second group of the statistical population of this research in the quantitative part included all the elementary teachers of Tehran, numbering 2522 people. Cochran's formula was used to determine the sample size of the quantitative part: therefore, 300 people were selected as the research sample. In general, the sampling method in this study was random cluster sampling. Semi-structured interviews were used in the qualitative part of this research. In the quantitative section, a researcher-made questionnaire was prepared. The validity and

* Ph.D. Student, Department of Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

** Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. *Corresponding Author:* dr.izadi.mahshid1452@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**** Professor Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

reliability of the instruments were confirmed. The method of data analysis in the qualitative part of the theoretical coding was derived from the data theorizing method. In the quantitative section, a one sample t-test was used to answer the research questions.

Results

The results of the analysis showed that among the 49 indicators (items) available, 11 main components can be identified. These dimensions and components include affirmative knowledge (knowledge of self, environment and skill knowledge), explanatory knowledge (individual and social spiritual knowledge), real knowledge (intuition and gradual training), and credit knowledge (heart, senses and perception).

Discussion

In order to teach thinking, elementary teachers should provide education in a gradual and step-by-step manner while creating an intuitive mechanism for students. Individual and social spiritual knowledge is also considered in this research. In this regard, it is a priority for teachers to teach values and spirituality. Recognizing the documentation of the principles of religious thinking, intelligent response to problems according to the Quranic guidelines, and predicting spiritual issues according to the Quranic guidelines are other indicators of explanatory knowledge.

Keywords: epistemology, intellectual education, elementary school, Quran guidelines

Author Contributions: Author Contributions; This research is part of a Ph.D. dissertation of author 1 which was done by helping of author 2 as Supervisor Professor and author 3 and author 4 as Advisor Professor. In addition, the research plan was compiled; the process of collecting, analyzing and interpreting the findings and writing the text of the article was done with the exchange of opinions of all colleagues.

Acknowledgments: The authors thank all dear colleagues and professors who have helped us in this research.

Conflicts of interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This research is not sponsored by any institution and all costs have been borne by the authors.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۸

مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
بهار و تابستان ۱۴۰۲، دوره ششم، سال ۳۰
شماره ۱، صص: ۱۲۶-۱۰۱

مقاله پژوهشی

ارائه الگوی معرفت‌شناختی آموزش فکری قرآنی در دوره ابتدایی

شمس‌الدین خزلی*

مهشید ایزدی**

مهدی دوایی***

فهیمه انصاریان****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی معرفت‌شناختی آموزش فکری قرآنی در دوره ابتدایی انجام پذیرفت. پژوهش مذکور از نظر هدف بنیادی- کاربردی، و از نظر گردآوری داده‌ها، روش پژوهش آمیخته است. از نظر نحوه اجراء، تلاش محقق بر استفاده از روش داده بنیاد (مصاحبه با خبرگان) و استفاده از روش توصیفی پیمایشی است که در دو مرحله کیفی و کمی به گردآوری داده‌های اطلاعات پژوهش اقدام می‌گردد. جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش، شامل خبرگان آموزش و پرورش بود که برای تعیین نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند استفاده شد و تعداد ۲۰ نفر با استفاده از اصل اشباع به‌عنوان حجم نمونه، در نظر گرفته شد. گروه دوم از جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی شامل تمامی معلمان ابتدایی شهر تهران به تعداد ۲۵۲۲ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه بخش کمی از فرمول کوکران استفاده شد: بنابراین تعداد ۳۰۰ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. به‌طور کلی روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی خوشه‌ای حجم نمونه تعیین شد. در بخش کیفی پژوهش حاضر از مصاحبه‌های نیمه ساختمند استفاده شد. در بخش کمی، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته تنظیم شد. روایی و پایایی ابزارها مورد تایید قرار گرفت. روش تحلیل داده‌ها در بخش کیفی کدگذاری نظری برگرفته از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد بود. در بخش کمی برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش از آزمون تی تک نمونه‌ای بهره گرفته شد. نتایج حاصل از تحلیل نشان داد که از میان ۴۹ شاخص (گویه) موجود، ۱۰ مؤلفه‌ی اصلی قابل شناسایی است. این مؤلفه‌ها شامل، شناخت اثباتی (شناخت خود، محیط

* دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

dr.izadi.mahshid1452@gmail.com

*** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

**** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

و شناخت مهارتی)، شناخت تبیینی (شناخت معنوی فردی و اجتماعی)، شناخت حقیقی (شهود و آموزش تدریجی)، و شناخت اعتباری (قلب، حواس و ادراک) است.

واژگان کلیدی: معرفت‌شناسی، آموزش فکری، دوره ابتدایی، رهنمودهای قرآن

مقدمه

معرفت‌شناسی^۱ یکی از مباحث محوری در فلسفه^۲ است. هنگامی که صحبت از مبانی فلسفی است، سه بعد هستی، معرفت و ارزش مورد توجه قرار می‌گیرد. درباره معرفت^۳ نیز تعاریف گوناگونی وجود دارد. در یک دیدگاه، معرفت امری مفهومی است. بر این اساس، وقتی عنوان می‌شود چیزی را می‌شناسیم، منظور آن است که مفهوم آن را می‌توانیم بیان کنیم. هنگامی که عنوان می‌شود چیزی را شناخته‌ایم، این مهم است که آن را به‌عنوان چه چیزی می‌شناسیم و در نتیجه بایستی آن چیز زیر یک معنا قرار بگیرد (Bagheri, 2014, p. 6).

از آن جا که قرآن کتاب هدایت و راهنمایی به راه سعادت و کمال است و هدایت هم جز از راه عقل و علم میسر نیست، از این جهت علم و دانش اهمیت و جایگاه به‌سزایی در قرآن کریم دارد. تا جایی که می‌بینیم آیات بسیار زیادی از قرآن کریم به ارزش و اهمیت علم و معرفت و ابزار و وسایل تحصیل آن؛ مانند تدبیر، تأمل، تعقل و ... می‌پردازد. از این رو، بی‌جهت نیست که می‌بینیم آیاتی که به نحوی در باب علم بحث می‌کند، حدود یک چهارم از قرآن را به خود اختصاص داده است (Shabdin, 2013). این مسئله عجیبی نیست؛ چراکه اولین آیاتی بر رسول خدا (ص) نازل شد در باب خواندن، علم و دانش، معرفت و شناخت بوده است: «بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید* همان کس که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد!* بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است* همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود* و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد! فراتر از این اساساً خلقت انسان همراه علم و معرفت بوده است. چنان که قرآن کریم به آن اشاره می‌کند: «... سپس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می‌گویید، اسامی اینها را به من خبر دهید!».

1- Epistemology
2- Philosophy
3- Knowledge

رسالت قرآن در دعوت به معرفت، شامل همه ارکان آنست؛ یعنی هم مبدأ را که خدای سبحان و نام‌های نیکوی او و مظاهر گوناگون آن‌هاست به‌عنوان مبداءشناسی عنوان می‌کند و هم معاد را که همان مقصد است با نام‌های نیکوی دیگر ارائه می‌دهد و هم رابط بین آغاز و انجام را که مظاهر نام‌های نیکو دیگر خدای سبحان‌اند هدایت می‌کند، ضمناً معرفت‌شناختی را که هر کدام به نوبه خود مظهر نامی از نام‌های مبارک الهی‌اند تعلیم می‌نماید و نحوه پیدایش و پرورش بسیاری از موجودهای روح‌دار یا بدون روح را به منظور تشریح آیات آفاقی و انفسی گزارش می‌دهد. خداوند سبحان، در آیات متعددی انسان را به تفکر و اندیشیدن و کسب دانش دعوت کرده و طالبان معرفت و آموزگاران دانش را مورد تشویق قرار داده و نیز مسائل گوناگون معرفت‌شناسی، همچون امکان شناخت، منابع شناخت و موانع شناخت را بیان نموده است. (Javadi Amoli, 2018, p. 12).

مبانی آموزش و تعلیم به آن بخش از برنامه تربیت اطلاق می‌شود که به مطالعه نیروهای اجتماعی، نهادها و روابط انسانی، به منظور تقویت آموزش و پرورش رسمی می‌پردازد و مطالبی از جمله تاریخ، علم اقتصاد، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافیا و فلسفه، پایه بحث و مطالعه آن‌ها است (Alagheband, 2023). روشن ساختن معنی و مفهوم آموزش و هدف آن گرچه لازم است و اهمیت زیادی دارد، برای تصمیم گرفتن در موقعیت‌های مختلفی که پیش می‌آید، کافی نیست. هدف‌ها مقاصد را مشخص می‌کند و عزیمت به سوی هر مقصد برای آن که متضمن وصول بدان باشد، مستلزم طرح و نقشه‌ای است که ناگزیر باید با توجه به مبدأ حرکت ترسیم شود. مبانی آموزش و تربیت از انسان و امکانات و محدودیت‌هایش و همچنین از ضرورت‌هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آن‌هاست، بحث می‌کند (Shokouhi, 2008: 56).

در بحث معرفت‌شناسی، سؤالاتی در مورد ماهیت معرفت، شناخت، کیفیت یادگیری و منابع کسب شناخت و انواع یادگیری، مورد بحث قرار می‌گیرد (Yar Mohammadian, 2011, p. 110). معرفت‌شناختی، توضیح چگونگی فکر کردن ما است. بنابراین معرفت‌شناختی در تشخیص درست از نادرست یا تعیین روشی برای ارزیابی مناسب واقعیت از غیر آن به ما کمک می‌کند. از این رو، با یک معرفت‌شناختی نادرست ما قادر به تشخیص حقیقت از خطا نخواهیم بود. عواقب و پیامدهای معرفت‌شناختی برای ما بسیار روشن و آشکار است ما به هر اندازه که دارای معرفت‌شناختی درستی باشیم، می‌توانیم به همان نسبت درجه‌ای از واقعیت را درک کنیم و از این معرفت‌شناسی برای ارتقای زندگی و اهداف خود استفاده کنیم. در مقابل، نقص در معرفت‌شناسی کار ما را در به انجام رساندن

هر چیزی با سختی و مشکل مواجه می‌کند. بر اساس مبانی معرفت‌شناختی، امروزه کارشناسان تعلیم و تربیت اتفاق نظر دارند که آموزش تفکر نه تنها باید یکی از اهداف تعلیم و تربیت باشد بلکه باید بخش لاینفک آموزش در هر مقطعی باشد، زیرا به تحلیل، ارزشیابی و گزینش و کاربرد بهترین راه‌حل را در انسان به وجود می‌آورد، همان چیزی که نیاز دنیای امروز است (Hamzelo, 2013).

برای این‌که دانش‌آموزان خوب تربیت شوند و افراد مفیدی در آینده باشند باید متفکر، خلاق، نقاد و دارای بینش علمی باشند و این تنها در سایه‌ی انتقال اطلاعات به ذهن شاگردان حاصل نمی‌شود بلکه در برنامه‌های مدارس باید روش‌هایی گنجانده شود که از طریق آن‌ها دانش‌آموزان قابلیت‌های چگونه آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و در زندگی روزمره‌ی خود به کار برند و با توجه به نقش اساسی محیط‌های آموزشی و روش‌های حاکم بر آن‌ها، باید به صورتی سازماندهی شوند که دانش‌آموزان را به جای ذخیره سازی حقایق علمی با مسائلی که در زندگی واقعی با آن‌ها مواجه می‌شوند درگیر سازند (Qaderi & Jahani, 2016).

چنانچه مدارس بخواهند مهارت‌های فکری را به کودکان آموزش دهند تا آنان متفکرانی مؤثرتر شوند، معنی دارتر فراگیرند، منعطف و به دور از تعصب تفکر نمایند و قضاوت‌های مستدلی داشته باشند باید به آن‌ها نحوه انجام این امور آموزش داده شود. بنابراین آموزش مهارت‌های تفکر باید سنگ بنای خط مشی یاددهی-یادگیری مدرسه باشد. یعنی روشن باشد که مدرسه چگونه می‌تواند فراگیران را به متفکرانی مؤثر تبدیل نماید (Hashemabadi & Shahabi, 2010).

جان دیویی در کتاب چگونه فکر می‌کنیم درباره مفهوم تفکر می‌گوید: عملی است که در آن موقعیت موجود، موجب تایید یا تولید واقعیت‌های دیگر می‌شود، یا روشی است که در آن باورهای آینده بر اساس باورهای گذشته پایه‌گذاری می‌گردد (Nowrozi Vand & Shafiei, 2019). هم‌چنین (Shariat Madari 2018) در کتاب روان‌شناسی تربیتی خود تفکر را جریانی که در آن فرد کوشش می‌کند مشکلی را که با آن رو به رو شده مشخص سازد و با استفاده از تجربیات قبلی خویش به حل آن اقدام نماید تعریف می‌نماید.

از میان دوره‌های تحصیلی، این پژوهش در دوره تحصیلی ابتدایی انجام گرفته است، زیرا شکل‌گیری شخصیت و رشد همه‌جانبه فرد در این دوره، بیشتر انجام می‌شود. دوره ابتدایی، در

رشد مفاهیم و معانی اموری که کودک در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه است، نقش مهمی برعهده دارد این دوره تداوم بخش تکوین شناختی، زیستی و اجتماعی کودک که در خانواده پی‌ریزی شده است. هم‌چنین دوره‌ای است که در آن فرصت و موقعیت مناسبی برای تحصیل، تربیت و یادگیری شیوه ارتباط صحیح با دیگران برای کودک فراهم می‌گردد و استعدادها هر کودک به تدریج شکوفا می‌شود. لذا با توجه به مطالب ارائه‌شده، سؤال پژوهش حاضر این است که الگوی معرفت‌شناختی آموزش فکری مبتنی بر رهنمودهای قرآن برای معلمان دوره ابتدایی تا چه اندازه دارای اعتبار است؟

مبانی نظری

معرفت‌شناسی (یا شناخت‌شناسی) دانشی است که به مطالعه شناخت، امکان، شیوه‌ها، ابزار، منابع و منافع و دیگر مباحث مربوط به دانش می‌پردازد و شاخه‌های مختلف دانش بشری را پس از تولد و رشدشان و با هویت جمعی و تاریخی‌شان مرور می‌کند. درباره چگونگی تأثیر معرفت‌شناختی بر آموزش فکری می‌توان بیان کرد که فرض‌های معرفت‌شناختی دیدگاه‌هایی که درباره آن‌ها بحث شده است، هر کدام در زمان شکل‌گیری نسل‌های آموزش به نوعی بر مؤلفه‌های مهم این نظام آموزشی مؤثر بوده‌اند (Spencer, 2022). معرفت‌شناختی پایه علوم بشری است؛ زیرا تمام علوم قبل از این که به پژوهش و کاوش اقدام کنند پیش‌تر می‌پذیرند واقعیتی وجود دارد، دستگاه‌های ادراکی بشر می‌توانند به واقعیت دست یابند، وجود خطای در ادراک قابل تصحیح است و ... این‌ها مباحثی هستند که باید در علم معرفت‌شناختی به اثبات برسند. استاد مطهری در رابطه با اهمیت معرفت‌شناختی می‌گوید: "دنیای دنیای مکتب و ایدئولوژی و بر پایه جهان‌بینی است و جهان‌بینی بر پایه شناخت است. آن که ایدئولوژی‌اش مثلاً بر اساس جهان‌بینی مادی است، جهان‌بینی مادی‌اش بر اساس نظریه خاصی در باب شناخت است. آن دیگری ایدئولوژی دیگری دارد بر اساس جهان‌بینی دیگری و آن جهان‌بینی بر اساس نظریه‌ای است که در باب شناخت دارد. این است که ما قبل از بحث درباره ایدئولوژی‌ها، مکتب‌ها و جهان‌بینی‌ها باید تکلیف مسأله شناخت را روشن کنیم (Motahari, 2014, p. 342).

با رواج آموزش و جایگاه فزاینده برجسته آموزش با کیفیت، مفهوم و گسترش آموزش فکری در کالج‌ها و دانشگاه‌ها نیز بهبود یافت. آموزش فکری و ارزیابی کیفیت آموزش فکری

تحت هدایت مفهوم مدرن هوش قرار گرفت. بر اساس پایه‌های آموزش تفکر، مدارس نه تنها باید به هوش تحصیلی اهمیت دهند، بلکه باید به هوش اجتماعی و هوش هیجانی نیز اهمیت دهند. نه تنها باید به پرورش هوش تحصیلی اهمیت داد، بلکه باید به استفاده از هوش عملی و هوش خلاق نیز اهمیت دهند (Shen, 2022).

هر چند در دنیای اسلام دانش معرفت‌شناختی در کنار سایر دانش‌های اسلامی به‌عنوان یک علم مستقل وجود نداشته است و بابتی تحت عنوان «نظریه‌ی المعرفة» یعنی «نظریه‌ی شناخت» وجود ندارد، اما بسیاری از مباحث این علم در دامن سایر علوم اسلامی مانند: منطق، فلسفه، کلام و عرفان مطرح شده است، بنابراین فلاسفه از قدیم به اهمیت این مسئله کم و بیش پی برده بودند (Motahari, 2014, p. 342). به‌طور کلی معرفت‌شناسی در جهان اسلام، دو مقطع را سپری کرده است: مقطع اول از کندی (۱۸۵-۲۶۰ ه.ق) تا علامه طباطبایی را در برمی‌گیرد که اندیشمندان آن تنها به مسائل و فصول معرفت‌شناختی پرداخته‌اند، و کتاب جامع و کاملی در این حوزه از سوی آنان به نگارش در نیامده است. مقطع دوم به عصر علامه طباطبایی و شاگردان ایشان (نوصدرائیان) بازمی‌گردد که برای حوزه معرفت‌شناختی به نوعی استقلال قائلند و آثار مستقل معرفت‌شناسی نگاشته‌اند (Misbah Yazdi, 2017, p. 150-151). از آن جا که موضوع معرفت‌شناسی را شناخت می‌دانند، آن را بر اساس گستره قلمرو آن دو قسم کرده‌اند: ۱- معرفت‌شناسی مطلق (منظور از معرفت‌شناسی مطلق؛ آن دسته از نظریه‌های معرفت‌شناسی است که به حوزه خاصی از علوم اختصاص ندارد، بلکه همه حوزه‌های شناخت را در بر می‌گیرد). و ۲- معرفت‌شناسی مقید (منظور از معرفت‌شناسی مقید آن دسته از نظریه‌های معرفتی است که به قلمرو خاصی اختصاص دارد و شامل همه معرفت‌های بشری نمی‌شود، نظیر معرفت‌شناسی دینی، معرفت‌شناسی اجتماعی، معرفت‌شناسی عرفانی، معرفت‌شناسی اخلاقی و.....) (Hosseinzadeh, 2018, p. 16).

معرفت‌شناسی از دیدگاه نظریه پردازان

فرانسویس بیکن^۱ در انگلستان به معرفی «تب‌های طایفه‌ای» یعنی شیوه‌هایی که ذهن ما به طور طبیعی تمایل به خودفریبی دارد، پرداخت. کتاب او پیشرفت در یادگیری یکی از اولین

1- Bacon

متون در مورد آموزش تفکر است. پنجاه سال بعد در فرانسه، دکارت^۱ کتابی تحت عنوان «روش‌هایی برای هدایت عقل^۲» تألیف کرد که می‌توان آن را دومین کتاب در حوزه تفکر در نظر گرفت. در این کتاب، دکارت از نیاز به یک سیستم منظم ذهنی برای هدایت تفکر نام می‌برد. او عقیده داشت که برای راهنمایی ذهن باید نظام خاصی را تدوین نمود. دکارت از نیاز به تفکر واضح و دقیق بحث می‌نمود. وی روشی از تفکر انتقادی بر اساس اصول شک منظم تدوین نمود و بیان داشت که هر قسمت از تفکر باید شک‌پذیر، آزمون‌پذیر و سؤال‌پذیر باشد. او همان‌طور که مشهور است نقطه‌ی آغاز غیرقابل‌شک خود را در آگاهی انسان از وجود خویش یافت (Molanori, 2014).

به عقیده کانت ذهن انسان فقط جهان خارجی را منعکس نساخته است بلکه خود در تشکیل شناسایی سهم عمده‌ای دارد. کانت در عصری می‌زیست که علوم تجربی به سرعت پیش می‌رفت و مرزهای دانش بشری را گسترش می‌داد، اما اصحاب مدرسه با قیل و قال خویش مباحث کهن را تکرار کرده راه به جایی نمی‌بردند و فیلسوفان جدید نیز به جای آنکه گرهی از کار فروبسته مابعدالطبیعه بگشایند آن را آشفته‌تر کردند. کانت می‌خواهد با فلسفه نقادی خود نه تنها فیزیک نیوتنی را براساس فلسفه توجیه کرده مبانی فلسفی آن را استوار سازد، بلکه مهم‌تر از آن می‌خواهد حد آن را معلوم سازد و علم را که فراتر از حد خویش رفته به جای واقعی خود واپس زند، تا جایی برای ایمان باز کند (Hashemi, 2007). با چنین رهیافتی، کانت به این راه حل می‌رسد که ذهن در شناخت واجد عناصری پیشین است. این عناصر پیشین در ساحت حس، زمان و مکان هستند که کانت آن‌ها را صورتهای محض شهود حسی می‌داند و در ساحت فهم، مفاهیم محضی هستند که کانت تحت عنوان مقولات از آن‌ها یاد می‌کند.

در این راستا، William summer (1906) کتابی منتشر کرد که در آن به مطالعه بنیاد جامعه‌شناسی پرداخته است و به‌طور مستند نشان داد که ذهن انسان تمایل به تفکر جامعه‌محور دارد اما مدارس به ایفای نقش غیرانتقادانه در تعلیم و تربیت تفکر اجتماعی اصرار می‌ورزند. وی با مطالعات گسترده خود در باره آثار سوء نبود تفکر انتقادی در مدارس، شکل‌گیری باورهای یک‌دست و نادرست، حقایق نیمه درست و تصمیم‌های اشتباه، قبول بی‌چون و چرای

1- Decarte

2- Rules for the direction of the mind

اطلاعات ارائه‌شده به فراگیران در مدارس به اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی در زندگی و خصوصاً در تعلیم و تربیت اهتمام ورزید (Strenberg, 2002).

در یک بررسی تطبیقی در مورد آموزش، تفکر اسلامی نیز به عنوان سبک فلسفی مدرن به این موضوع می‌پردازد. در ارتباط با معرفت‌شناسی از منظر قرآن، باید گفت که فیلسوفان مسلمان در بحث شناخت، ذهن را آینه‌ای صد در صد منفعل نمی‌دانند و معتقد نیستند که هر چه در ذهن است عیناً در عالم خارج از ذهن نیز به همان صورت وجود دارد. آنان در عین حال که به خارج‌نمایی و واقع‌نمایی علم آدمی معتقدند به هیچ وجه به واقع‌گرایی ساده لوحانه و خام مبتلا نیستند.

در فلسفه اسلامی علاوه بر تقسیم ادراکات به محسوس و معقول، خود معقولات نیز به معقولات اولیه و ثانیه تقسیم می‌شوند. معقولات ثانیه خود بر دو قسم‌اند: معقولات ثانیه منطقی و معقولات ثانیه فلسفی. معقولات اولیه مفاهیمی کلی هستند که در اثر تماس ذهن با عالم خارج فراهم آمده و ذهن ما برای آن‌ها در خارج مصادیقی منطبق و مطابق با آنها می‌یابد. این معقولات همان اشیاء هستند. سپس همین مفاهیم کلی، مانند انسان و اسب، از آن جهت که امری مُدرک و موجود به وجود ذهنی است، به نوبه خود در ساحت ذهن احکام خاصی یافته و موضوع محمول‌هایی واقع می‌شود که آن محمول‌ها در عالم خارج مصداق و مابازایی نداشته و عرصه صدق و کذب آنها ذهن است، مانند مفهوم کلیت، جزئیت، نوعیت و جنسیت. مفاهیمی مانند معرف بودن، حجت بودن و قضیه بودن نیز از این قبیل هستند. این دسته از مفاهیم را معقولات ثانیه منطقی می‌نامند. قسم دیگر، معقولات ثانیه فلسفی است. ظهور این مفاهیم نیز در عالم ذهن و پس از حصول معقولات اولیه ممکن شده مانند آنها مابازایی در عالم خارج ندارند، اما برخلاف معقولات ثانیه منطقی، اشیاء خارجی به آن‌ها متصف می‌شوند. مفاهیمی مانند علیت، وجود، ضرورت و امکان جزء معقولات ثانیه فلسفی به شمار می‌روند (Norouzzadeh & Siyami, 2019).

معرفت‌شناسی در یک تقسیم‌بندی کلی، به دو گونه معرفت‌شناسی پیشینی و معرفت‌شناسی پسینی تقسیم شده است.

۱-۲. معرفت‌شناسی پیشینی: در این قسم از معرفت‌شناسی، از وجود ذهنی، علم و ادراکات سخن به میان می‌آید، به عبارت دیگر، موضوع این معرفت‌شناسی، وجود یا ماهیت علم است

که محمولاتی چون تجرد، مادیت و اتحاد با عالم و معلوم، کیف نفسانی و... بر آن حمل می‌شود؛ مثلاً گفته می‌شود: وجود علم، مجرد است و یا ماهیت علم، کیف نفسانی است و یا این که علم با عالم و معلوم اتحاد دارد و نیز تقسیم‌پذیری علم به حضوری و حصولی و دهها نمونه دیگر. به این نوع از معرفت‌شناسی، علم‌شناسی و معرفت‌شناسی قبل از تحقق علوم و یا معرفت‌شناسی فیلسوفانه نیز گفته می‌شود. شایان ذکر است که این نوع از معرفت‌شناسی از دو حیث وجود شناختی علم و کاشفیت علم مورد بحث قرار می‌گیرد؛ یعنی، گاه از وجود و ماهیت علم سخن به میان می‌آید و گاه از کاشفیت معارف از واقع بحث می‌شود.

۲-۲. معرفت‌شناسی پسینی: این نوع از معرفت‌شناسی بر خلاف قسم سابق، بعد از تحقق علوم و معارف بشری پدید می‌آید و به وجود یا ماهیت علم به‌عنوان واقعیتی در ذهن انسان توجهی ندارد، بلکه موضوع آن، مجموعه معارف و گزاره‌ها یا تصورات و تصدیقات موجود در علوم می‌باشد، به این معنا که معرفت‌شناس پسینی، سیر تاریخی علم را از آغاز پیدایش تاکنون مطالعه کرده، سپس احکام و عوارض کشف‌شده را بر آن گزاره‌ها مترتب می‌کند. به عبارت دیگر، موضوع این دسته از معرفت‌شناسی، از سنخ معرفت است. ذکر این نکته لازم است که معرفت‌شناس به تمام گزاره‌های یک علم یا علوم مورد نظر توجه دارد، اعم از این که گزاره‌ها با واقع مطابقت داشته باشد یا هیچ‌گونه تطابقی نداشته باشند: به سخن دیگر، تمام تصدیق‌ها و تکذیب‌های گزاره‌های آن علم را که مورد پذیرش عالمان آن رشته قرار گرفته است، مورد مطالعه قرار می‌دهد، در نتیجه، موضوع معرفت‌شناسی پسینی که از آن به معرفت‌شناسی درجه دوم، معرفت‌شناسی بعد از تحقق علم و فلسفه مضاف یاد می‌کنند، معارف درجه اول می‌باشد. این نوع معرفت‌شناسی از ثبات و تغییر، علل تحول معارف درجه اول و ارتباط آن‌ها با دانش‌های دیگر بحث می‌کند (Hosseinzadeh, 2018, p. 18).

آموزش تفکر از دید اسلام

تفکر اساس حیات انسانی است؛ زیرا انسانیت انسان و ادراک او از عالم و آدم و پروردگار عالمیان کند و اتصالی که با حق برقرار می‌کند، وابسته به نحوه تفکر اوست؛ با تفکر، استعدادهای پنهان آدمی از قوه به فعل درمی‌آید و زمینه حرکت کمالی او فراهم می‌شود (Delshad Tehrani, 2010, p. 339).

به بیان امام خمینی (ره) تفکر مفتاح ابواب معارف و کلید خزانة کمالات و علوم است و مقدمه لازم حتمی سلوک انسانیت است (Khomeini, 2006, p. 191). نیروهای باطنی انسان و حیات حقیقی او با تفکر فعال می‌شود و با گشودن دریچه تفکر، درهای حکمت و راهیابی به حقیقت بر او گشوده می‌شود؛ از این رو، در اسلام، اندیشیدن، زندگی دل و حیات قلب معرفی شده است و هیچ عبادتی همسنگ اندیشیدن در صنع خدای متعال نیست (Delshad Tehrani, 2010, p. 339).

تفکر با این همه عظمت و اهمیت، اگر در روند آموزش مورد استفاده قرار گیرد، می‌تواند آموزش را از حالت رکود و انفعال خارج کند و بر پایایی و تأثیر آن در طولانی مدت بی‌فزاید؛ زیرا تفکر سبب راهیابی به حقیقت که هدف آموزش است - می‌شود و استعدادهای پنهانی را به فعلیت در می‌آورد.

قرآن کریم سراسر تفکر یا دعوت به تفکر است و خداوند در آیات بسیاری امر به تفکر و تدبیر کرده است، به گونه‌ای که همه قرآن یا به‌طور مستقیم دعوت به تفکر نموده است و یا به‌طور غیرمستقیم مطالب آن به گونه‌ای عنوان شده که باید در آن تفکر کرد و اینکه صلاح و سداد حیات وابسته به تفکر و درستی آن است. این امر در قرآن کریم به راه‌های مختلف و روش‌های گوناگون تذکر داده شده است، گاه انسان متفکر راه یافته و واجد نور با انسان غیرمتفکر و فرورفته در ظلمات مقایسه شده و برتری مسلم اهل تفکر و علم و نور گوشزد گردیده است، چنانچه در آیات ذیل مشاهده می‌شود: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؟ بگو: آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکر نمی‌کنید» (سوره انعام/۵۰). «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ؛ آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پند پذیرند» (سوره زمر/۹) و مسلم است که دانایی ثمره تفکر است و علم نورانی نتیجه تفکر حقیقی؛ و می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ تا خدا رتبه کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندان بر حسب درجات بلند گرداند» (مجادله/۱۱). و در روایتی، امام صادق علیه السلام «اولوالالباب» را اهل تفکر معرفی کرده می‌فرماید: «ان اولی الالباب الذین عملوا بالفکره»: خردمندان، کسانی هستند که با اندیشه کار کنند (بحارالانوار، ج ۶۷: ۲۵).

چنانچه در قرآن کریم تفحص کامل گردد و درآیاتش دقت شود، ملاحظه می‌شود که در

بیش از سیصد آیه مردم به تفکر و تذکر و تعقل دعوت شده‌اند و یا به پیامبر (صلی... علیه و آله) استدلالی را برای اثبات حق و یا از بین بردن باطلی می‌آموزد. خداوند در قرآن خود حتی در یک آیه نیز بندگان را امر نفرموده که نفهمیده به قرآن و یا به هر چیزی که از جانب اوست ایمان آورند و یا راهی را کورکورانه بپیمایند و یا از کسانی تبعیت کورکورانه کنند بلکه به عکس این امور را تأکید نموده است. چنانکه فرمود: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؛ آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشید؟ یا مگر بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است» (سوره محمد/ ۲۴). «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا أَلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى؛ آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و تا هنگامی معین، نیافریده است» (روم/ ۸).

بر اساس موضوع پژوهش، چند پیشینه مرتبط با پژوهش حاضر ارائه شده است. Ahmadabadi et al. (2017) در مقاله بررسی مقایسه‌ای مبانی معرفت‌شناسی نظریه سازنده‌گرایی و مبانی معرفت‌شناسی اسلامی عنوان داشتند که، سازنده‌گرایی یک فلسفه یادگیری است که بر ساختن دانش توسط یادگیرندگان به صورت انفرادی یا اجتماعی اشاره دارد. سازنده‌گرایان وجود یک بدنه از دانش را که مستقل از یادگیرنده باشد رد می‌کنند و از این اندیشه حمایت می‌کنند که دانشی مستقل از معنی نسبت داده شده به تجربه، که یادگیرنده یا جامعه یادگیرندگان می‌سازند وجود ندارد. مهم‌ترین پیش فرض معرفت‌شناسانه سازنده‌گرایی مبتنی بر شکل‌گیری معنا به عنوان تابعی از چگونگی ساختن آن بر اساس تجربه‌های فرد است که بر این اساس از نظر معرفت‌شناسی اسلامی تفاوت دارد. در این راستا، معرفت‌شناسی اسلامی شناخت حقیقی را علم و یقین مطابق با واقع می‌داند و واقعیت را خارج از ذهن حقیقی قلمداد می‌کند و هدف آموزش، انتقال ساختار این واقعیت به ذهن شاگرد است.

در بین پژوهش‌های خارجی نیز، Simon (2018) به یک رویکرد گفتمانی برای تحلیل شناخت معرفتی به این امر پرداخت که، نگرش اصلی در یادگیری به درک روش‌هایی اشاره دارد که مبنای دانشی دارند. در این پژوهش از رویکرد گفتمان استفاده شده است و عنوان شده است که این رویکرد گفتمان، پتانسیل کاربرد گسترده در علوم‌شناختی را در شناخت معرفت‌شناسی دارد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی معرفت‌شناختی آموزش فکری در دوره ابتدایی با توجه به رهنمودهای قرآن انجام پذیرفت. پژوهش مذکور از نظر هدف بنیادی- کاربردی است و جهت حل مسأله و سرانجام دستیابی به اطلاعاتی جهت اخذ تصمیم و رفع نیازها و حوائج اداری و حتی فردی کارآیی دارد. از نظر داده‌های اطلاعاتی، این پژوهش آمیخته است که ضمن عنایت به خبرگان این حوزه، به بررسی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های معرفت‌شناختی آموزش فکری بر رهنمودهای قرآن برای معلمان ابتدایی مبادرت ورزیده است. از نظر نحوه اجراء، تلاش محقق بر استفاده از روش داده بنیاد و استفاده از روش توصیفی پیمایشی است که در دو مرحله کیفی و کمی به گردآوری داده‌های اطلاعات پژوهش اقدام شد.

جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش، شامل خبرگان آموزش و پرورش بود که شرط انتخاب آنها برای جمع‌آوری داده‌ها، داشتن حداقل مدرک دکتری و داشتن شغل اجرایی و آموزشی در زمینه تعلیم و تربیت، مدیریت آموزشی و ... باشند که در سطوح تصمیم‌گیری‌های مدارس ابتدایی چه در حال حاضر و چه در گذشته نقش داشته و دارند. این گروه را به اصطلاح خبرگان آگاه می‌نامند که در فرایند مصاحبه شرکت کردند. در این پژوهش برای تعیین نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند^۱ استفاده شد که ۲۰ نفر با استفاده از اصل اشباع به عنوان حجم نمونه، در نظر گرفته شد.

سؤال اصلی مصاحبه

به نظر شما، شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد معرفت‌شناختی آموزش فکری با تأکید بر رهنمودهای قرآن برای معلمان دوره ابتدایی کدامند؟
گروه دوم از جامعه آماری این پژوهش در بخش کمی شامل تمامی معلمان ابتدایی شهر تهران به تعداد ۲۵۲۲ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه بخش کمی با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. اما به منظور تعمیم‌پذیری بیشتر و جلوگیری از ریزش حجم نمونه ۴۰۰ پرسشنامه در میان آزمودنی‌ها توزیع شد و تعداد ۳۰۰ پرسشنامه تکمیل و عودت داده شد. به طور کلی روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی

خوشه‌ای حجم نمونه تعیین شد. بدین توضیح که از ۲۲ منطقه شهر تهران، ۷ منطقه به صورت تصادفی انتخاب و از هر منطقه ۲ ناحیه تصادفی انتخاب شد و از هر ناحیه ۸ مدرسه و از هر مدرسه هم ۳ معلم انتخاب شد.

در بخش کیفی پژوهش حاضر از مصاحبه‌های نیمه ساختمند استفاده شد. همچنین، به‌منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز پژوهش و تعیین صحت و سقم آن‌ها در بخش کمی، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته برگرفته از کدهای حاصل از مصاحبه تنظیم شد.

پرسش‌نامه دیگر پژوهش، پرسشنامه استاندارد سنجش اعتبار مدل بود. این بخش شامل یک پرسش‌نامه بسته پاسخ برگرفته از مدل ارائه شده در بخش کیفی بود که به‌منظور سنجش نظر خبرگان در رابطه با اعتبار مدل (روایی بیرونی) طراحی شد. برای ارزیابی مدل طراحی شده چهار معیار اصلی در نظر گرفته شد: ۱- تطبیق؛ ۲- قابلیت فهم؛ ۳- قابلیت تعمیم؛ ۴- کنترل؛ هم‌چنین (Creswell, 2005) در خصوص روال پدید آوردن پروتوکول نیز سوالاتی را مطرح کرده و بیان داشته همان‌قدر که الگو مهم است، روال تهیه آن نیز می‌بایست از یک نظم خاصی پیروی کرده باشد. برای تعیین صحت یافته‌های کیفی از چندین راهبرد استفاده می‌شود مثل هم‌سو سازی، بررسی توسط اعضا، توصیف انبوه و غنی و ... که در این تحقیق برای تعیین صحت یافته‌ها از راهبرد "بررسی توسط اعضا" استفاده شد (Creswell, 2005, 325).

برای حصول اطمینان از روایی ابزار در بخش کیفی پژوهش از نظرات اساتید آشنا با این حوزه و متخصصان دانشگاهی که در این حوزه خبره و مطلع بودند استفاده شد. در پژوهش کنونی از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری^۲، محتوایی^۳ استفاده شد و پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۴ محاسبه شد که همگی مورد تأیید قرار گرفتند.

با توجه به جدول ۱ می‌توان گفت: پایایی ابعاد مورد تأیید است زیرا آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی بالای ۰/۷ است و هم‌چنین $AVE > 0.5$ است. روایی همگرا مورد تأیید است، زیرا

-
- 1- Member checking
 - 2- Faced Validity
 - 3- Content Validity
 - 4- Composite Reliability (CR)

جدول ۱. ضریب میانگین واریانس استخراج شده و ضریب پایایی ترکیبی

مؤلفه (شناخت)	آلفای کرونباخ	CR	AVE	MSV	ASV	۱	۲	۳	۴
اثباتی	0.72	0.800	0.65	0.40	0.26	0.78	—	—	—
تبیینی	0.76	0.825	0.63	0.43	0.31	0.53	0.76	—	—
حقیقی	0.81	0.869	0.59	0.40	0.29	0.47	0.52	0.82	—
اعتباری	0.78	0.871	0.63	0.38	0.33	0.39	0.44	0.36	0.75

یافته‌ها

سؤال اول: شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد معرفت‌شناختی آموزش فکری با تأکید بر رهنمودهای قرآن برای معلمان دوره ابتدایی کدامند؟

برای پاسخ به این سؤال از کدگذاری نظری و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA، که نرم‌افزاری حرفه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده توسط روش‌های کیفی و ترکیبی است، استفاده شد. بنابراین، در گام اول لازم است تا واحدهای معنایی شناسایی شود که البته انتخاب واحدهای معنایی به تأیید اساتید رسیده است که در شکل ۱ قابل رؤیت است.



Figure 1. Super words from the interviews

شکل ۱. ابرواژگان حاصل از مصاحبه‌ها

- 1- Maximum Shared Squared Variance (MSV)
- 2- Average Shared Squared Variance (ASV)

جدول ۲. مرتب‌سازی نهایی و خوشه‌بندی کلیه مفاهیم و کدهای (A تا J) استخراج‌شده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته

Table 1. Final sorting and clustering of all concepts and codes (A to J) extracted from the semi-structured interview technique

Code	Basic extractive concepts	مفاهیم استخراجی اولیه	Row	Code	Basic extractive concepts	مفاهیم استخراجی اولیه	Row
E	پاسخ هوشمندانه نسبت به مسایل با توجه به رهنمودهای قرآنی		۲۶	A	درک وجود خویش		۱
E	پیش‌بینی مسایل معنوی با توجه به رهنمودهای قرآن		۲۷	A	آگاهی نسبت به اهداف والای انسان در زندگی		۲
E	شناخت عام معرفت دینی در افراد		۲۸	A	استقلال فردی		۳
E	شناخت فرهنگ تفکری در جامعه قرآن محور		۲۹	A	تعهد نسبت به ارزش‌های انسانی		۴
F	مشاهده و مکاشفه		۳۰	A	شناخت ایدئولوژی		۵
F	ادراک حسی ایصار		۳۱	A	آگاهی نسبت به هدف فردی		۶
F	ادراک خیال		۳۲	A	یقین نسبت به ضرورت تفکر		۷
F	واقع‌گرایی حداقلی		۳۳	A	علم به شناخت خود		۸
G	توجه به آموزش به‌عنوان فرایند مستمر		۳۴	A	خودعلیتی		۹
G	توجه به تربیت تفکری قرآنی به شیوه ای تکوینی		۳۵	A	خودکنترلی		۱۰
G	ارزیابی به شیوه‌ای توصیفی و توجه به رهنمودهای قرآنی		۳۶	B	جهان بینی		۱۱
G	اعتقاد به یادگیری سیستمیک و فرایندی		۳۷	B	ادراک پیرامون برای تفکر وسیع		۱۲
G	سازنده‌گرایی		۳۸	B	شناخت نظر اندیشمندان و تحلیل آنها		۱۳
H	شناخت از دید قلبی که به آموزشهای تفکری قبل مربوط است.		۳۹	B	آگاهی از مسایل پیرامون		۱۴
H	شناخت و تفکر از روی هیجانات		۴۰	C	توانایی در یادگیری تفکر		۱۵
H	شناخت بر حسب نیاز فکری		۴۱	C	مهارت در الگو‌گزینی		۱۶
H	انتخاب و تصمیم‌گیری تجربه		۴۲	C	مهارت چگونه دانستن		۱۷
I	شناخت تفکر از طریق بعدی		۴۳	C	توانایی در تفکر انتقادی		۱۸
I	شناخت فکری بر اساس حس شنیداری		۴۴	D	تشخیص صداقت		۱۹
I	شناخت بر حسب سایر حواس		۴۵	D	آگاهی از خطاهای تفکری		۲۰
J	درک فلسفی مسایل		۴۶	D	پرورش ارزشها		۲۱
J	درک علمی مسایل		۴۷	D	تشخیص اصول عقلی مبتنی بر دین شناخت		۲۲
J	درک عقلی مسایل		۴۸	D	تشخیص مفاهیم معنوی در تفکر		۲۳
J	توجه به نظریه ادراک انتقادی		۴۹	D	تشخیص اصول معنوی در هدف‌گذاری فردی		۲۴
				E	تشخیص مستندات اصول تفکر دینی		۲۵

بر اساس مفاهیم و مقوله‌های شکل قبل، زمینه کدگذاری محوری فراهم شد که در جدول ۱ آورده شده است. در کدگذاری محوری بین مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با هم ارتباط برقرار گردید. همان طور که ملاحظه می‌گردد این جدول حاوی ۱۰ طبقه بوده و هر یک از طبقات دربرگیرنده زیرطبقات و مفاهیم مربوط به خود است. هم‌چنین، مرتب‌سازی نهایی و خوشه‌بندی کلیه مفاهیم و کدهای محوری در ۱۱ طبقه صورت گرفته است.

در مرحله آخر از فرایند تحلیل کیفی حاضر، یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل، حول محور هدف اصلی قرار گرفت و با پیوند دادن کدها (کدگذاری باز)، مفاهیم (کدگذاری محوری) مشخص شد.

در جدول ۲ چک‌لیست مربوط به نتایج تحلیل محتوای مصاحبه با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی آورده شده است. تحلیل داده‌ها با استخراج مفاهیم و مقوله‌ها آغاز گردید (کدگذاری باز) و مفاهیم و مقوله‌های بی‌ربط و تکراری حذف شدند.

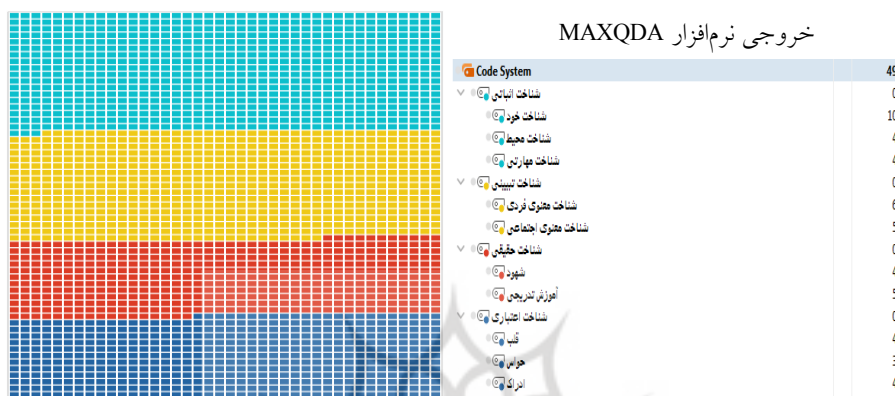
جدول ۳. لیست کلیه مفاهیم استخراج شده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته

Table 2. List of all concepts extracted from the semi-structured interview technique

کد مصاحبه‌شونده Interviewee code	منبع Source	کدگذاری Coding	
		باز Open	محوری انتخابی Selective Axial
I10, I6, I5, I2, I7, I1	مصاحبه	درک وجود خویش	
I15, I14, I13	مصاحبه	آگاهی نسبت به اهداف والای انسان در زندگی	
I12, I5, I14, I2, I11	Misbah Yazdi (2017, p. 150-151)	استقلال فردی	
I14, I2, I15	Lindström & Weatherall (2015)	تعهد نسبت به ارزش‌های انسانی	
I3, I4, I11, I5	Motahari (2015, P. 342)	شناخت ایدئولوژی	
I12, I8, I3	Lindström & Weatherall (2015)	آگاهی نسبت به هدف فردی	
I3, I4, I11, I5	Hosseinzadeh (2018, P. 47-48)	یقین نسبت به ضرورت تفکر	
I12, I14, I2, I11	Hosseinzadeh (2018, P. 47-48)	علم به شناخت خود	
I12, I5, I14, I2, I11	Lindström & Weatherall (2015)	خودعلیتی	
I11, I14, I5	مصاحبه	خودکنترلی	
I6, I1,	Motahari (2015, p. 342)	جهان‌بینی	
I2, I10, I1	مصاحبه	ادراک پیرامون برای تفکر وسیع	
I14, I2, I11	مصاحبه	شناخت نظر اندیشمندان و تحلیل آن‌ها	
I12, I5,	مصاحبه	آگاهی از مسایل پیرامون	

I12, I5, I14, I2, I11	Faali (2009, p. 77)	توانایی در یادگیری تفکر	توانایی
I12, I13	مصاحبه	مهارت در الگو‌گزینی	
I6, I1, I13	Faali (2009, p. 77)	مهارت چگونگی دانستن	
I2, I6, I10	مصاحبه	توانایی در تفکر انتقادی	توانایی
I1, I2, I11, I7, I15	Lewis (2014, p. 76)	تشخیص صداقت	
I11, I10, I14	مصاحبه	آگاهی از خطاهای تفکری	
I6, I1, I13	Padilla-Walker & Carlo (2014)	پروورش ارزش‌ها	توانایی
I2, I6, I10	Padilla-Walker & Carlo (2014)	تشخیص اصول عقلی مبتنی بر دین شناخت	
I11, I9, I10, I14, I5	مصاحبه	تشخیص مفاهیم معنوی در تفکر	
I7, I3, I12, I10	مصاحبه	تشخیص اصول معنوی در هدف‌گذاری فردی	توانایی
I1, I9, I13	مصاحبه	تشخیص مستندات اصول تفکر دینی	
I2, I6, I14	مصاحبه	پاسخ زیرکانه نسبت به مسایل با توجه به رهنمودهای قرآنی	
I11, I9, I10, I14, I5	مصاحبه	پیش‌بینی مسایل معنوی با توجه به رهنمودهای قرآن	توانایی
I6, I1, I13	مصاحبه	شناخت عام معرفت دینی در افراد	
I12, I5, I12,	مصاحبه	شناخت فرهنگ تفکری در جامعه قرآن محور	
I14, I2, I11	Jabal-ameli Foroushani (2015)	مشاهده و مکاشفه	توانایی
I12, I5,	مصاحبه	ادراک حسی ابصار	
I12, I5, I14, I2, I11	مصاحبه	ادراک خیال	
I12, I11	Jabal-ameli Foroushani (2015)	واقع‌گرایی حداقلی	توانایی
I6, I1, I13	مصاحبه	توجه به آموزش به‌عنوان فرایند مستمر	
I2, I6, I10	مصاحبه	توجه به تربیت تفکری قرآنی به شیوه‌ای تکوینی	
I1, I2, I11, I7, I15	مصاحبه	ارزیابی به شیوه‌ای توصیفی و توجه به رهنمودهای قرآنی	توانایی
I12, I3	Schemer (2010)	اعتقاد به یادگیری سیستمیک و فرایندی	
I12, I5, I14, I6	Sarmadi & Masoomifard (2018)	سازنده‌گرایی	
I7, I3, I9, I12	مصاحبه	شناخت از دید قلبی که به آموزش‌های تفکری قبل مربوط است	توانایی
I1, I9, I13	مصاحبه	شناخت و تفکر از روی هیجانان	
I2, I6, I10, I14	مصاحبه	شناخت بر حسب نیاز فکری	
I11, I9, I10, I14, I5	مصاحبه	انتخاب و تصمیم‌گیری تجربه	توانایی
I2, I6, I10	مصاحبه	شناخت تفکر از طریق بصری	
I1, I13	مصاحبه	شناخت فکری بر اساس حس شنیداری	
I11, I9, I14	مصاحبه	شناخت بر حسب سایر حواس	توانایی
I7, I12, I10	Bagheri (2014), Arnstein & Hankins (1994)	درک فلسفی مسایل	
I2, I9, I13	مصاحبه	درک علمی مسایل	
I2, I6, I1, I14	Jabal-ameli Foroushani (2015)	درک عقلی مسایل	توانایی
I2, I6, I3	Garibi & Bahari Zar (2016)	توجه به نظریه ادراک انتقادی	

فراوانی کدها (تعداد) با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA در شکل ۲ و فراوانی کدها (پرتره) در شکل ۴ نشان داده شده است. هم‌چنین، مؤلفه‌های شناسایی شده بعد از استفاده از ادبیات، پیشینه و نظریه‌های موجود در جدول ۳ نشان داده شده است ۱



شکل ۲. فراوانی کدها (تعداد)

شکل ۳. فراوانی کدها (پرتره)

Figure 4. Frequency of codes (portrait)

Figure 3. Frequency of codes (number)

جدول ۴. مؤلفه‌های شناسایی شده بعد از استفاده از ادبیات، پیشینه و نظریه‌های موجود

Table 3. Components identified after using existing literature, background and theories

تعداد گویه	مؤلفه	ابعاد
Number of items	Component	Dimensions
10	شناخت خود	
4	شناخت محیط	شناخت اثباتی
4	شناخت مهارتی	
6	شناخت معنوی فردی	شناخت تبیینی
5	شناخت معنوی اجتماعی	
4	شهود	شناخت حقیقی
5	آموزش تدریجی	
4	قلب	
3	حواس	شناخت اعتباری
4	ادراک	

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از میان ۴۹ شاخص (گویه) موجود، ۱۰ مؤلفه‌ی اصلی قابل شناسایی است. این ابعاد و مؤلفه‌ها شامل، شناخت اثباتی (شناخت خود، محیط و شناخت مهارتی)، شناخت تبیینی (شناخت معنوی فردی و اجتماعی)، شناخت حقیقی (شهود و آموزش تدریجی)، و شناخت اعتباری (قلب، حواس و ادراک) است.

سؤال دوم: الگوی معرفت‌شناختی آموزش فکری با تأکید بر رهنمودهای قرآن در معلمان دوره ابتدایی تا چه اندازه دارای اعتبار است؟

در نهایت بر اساس شناسایی ابعاد و مؤلفه‌ها در پژوهش حاضر، الگوی مفهومی این پژوهش ترسیم گردید. بر اساس ویژگی‌های شناسایی شده فوق، مدل مفهومی نهایی به قرار شکل ۵ است.



Figure 5. Final conceptual model

شکل ۵. مدل مفهومی نهایی

برای بررسی اعتبار الگوی نهایی، پرسشنامه سنجش الگو برای تعیین درجه اعتبار الگو به صورت طیف پنج‌درجه‌ای تنظیم و در اختیار ۳۰ نفر از متخصصان این حوزه قرار داده شد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۵ قابل مشاهده است. برای سنجش برازش مدل، در تطبیق، آماره t محاسبه شده معنی‌دار بود و نتایج نشان داد که تطبیق مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در قابلیت فهم بودن مدل، نیز نتایج نشان داد که قابلیت فهم بودن مدل از نظر متخصصان دارای اعتبار است و با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. تأیید شدن و اعتبار در قابلیت تعمیم بودن و کنترل مدل، نیز با اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در این پژوهش مدل مفهومی برگرفته از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های شناسایی شده ترسیم گردید. این مدل به شکل خورشیدی ترسیم گردیده و مؤلفه‌ها و شاخص‌های شناخته شده را در بر می‌گیرد. دلیل ترسیم شکل خورشیدی این است که تمام ابعاد از اهمیت یکسانی

در الگوی معرفت‌شناختی آموزش فکری با تأکید بر رهنمودهای قرآن برای معلمان دوره ابتدایی برخوردارند.

جدول ۵. تناسب مدل پیشنهادی جهت ارائه مدل نهایی

Table 4. Suitability of the proposed model to present the final model

میانگین مورد انتظار = ۳						
Sig.	df	t	SD	M	Questions	Item Row
0.000	29	9.45	1.251	3.68	آیا مفاهیم از داده‌های بررسی شده تولید شده است؟	۱ تطبیق
0.000	29	11.90	1.225	3.84	آیا مفاهیم تشخیص داده می‌شوند و به شکل کلی نظام‌مند به هم مرتبط شده‌اند؟	۲ قابلیت فهم
0.000	29	8.62	1.338	3.66	آیا مقوله‌ها به‌خوبی تدوین شده‌اند؟	۳
0.000	29	11.05	1.257	3.8	آیا نظریه چنان تبیین شده که تغییر شرایط متفاوت را در نظر بگیرد؟	۴ قابلیت تعمیم
0.000	29	10.27	1.185	3.7	آیا شرایط کلان‌تری که ممکن است بر پدیده مورد مطالعه اثر گذارد، تشریح شده است؟	۵
0.000	29	12.64	0.885	3.64	آیا یافته‌های نظری با اهمیت به نظر می‌رسند؟	۶ کنترل

بحث و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در بین فلسفه‌های مختلف غرب و شرق که هرکدام به شناخت و معرفت‌شناسی در حوزه‌های مختلف پرداخته‌اند. فلسفه قرآنی و رهنمودهای قرآنی از پختگی و جامعیت بیشتری برخوردار است. هر چند در دنیای اسلام دانش معرفت‌شناختی در کنار سایر دانش‌های اسلامی به‌عنوان یک علم مستقل وجود نداشته است و بابتی تحت عنوان «نظریه‌ی المعرفة» یعنی «نظریه شناخت» وجود ندارد، اما بسیاری از مباحث این علم در دامن سایر علوم اسلامی مانند: منطق، فلسفه، کلام و عرفان مطرح شده است، بنابراین فلاسفه از قدیم به اهمیت این مسئله کم و بیش پی برده بودند.

به هرحال دانشمندان اسلامی از ابتدا تا به امروز در مباحث معرفت‌شناختی برخلاف غرب، یک سیر روبه‌رشد را طی نموده‌اند به گونه‌ای که نه تنها برخلاف غرب به شک‌گرایی و نسبیت‌گرایی نیفتاده‌اند بلکه در جهت تصحیح پایه‌های یقین حرکت کرده‌اند. در این پژوهش

با توجه به آموزه‌های قرآنی و دینی موضوع معرفت‌شناختی آموزش تفکر معلمان ابتدایی پرداخته شده است. باید توجه داشت که معرفت‌شناسی از شناخت‌های بشری که شامل تصور، تصدیق، علم حضوری، علم حصولی و مانند آن می‌شود بحث می‌کند و اسلام بهترین گزینه برای الگو قرار گرفتن در این زمینه است چراکه بر پایه آموزه‌های قرآنی و دینی است و تمام جنبه‌های شناختی را در بر می‌گیرد. در این پژوهش به این موضوع پرداخته شد و پس از مرور متون و مصاحبه با خبرگان ابعاد و مؤلفه‌های شناخت اعتباری (قلب، حواس و ادراک)، شناخت اثباتی (شناخت محیط، مهارت و شناخت خود)، شناخت حقیقی (شهود و آموزش تدریجی)، شناخت تبیینی (شناخت معنوی فردی و اجتماعی) شناسایی شد. در واقع نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند که برای معرفت‌شناسی آموزش تفکر معلمان باید در ابتدا به حواس، قلب و ادراک فلسفی و علمی و منطقی اشاره شود. آموزه‌های دینی به توجه به قلب و احساسات در درک و شناخت پرداخته می‌شود. همچنین شناخت خود، محیط و مهارت‌های مورد نیاز بسیار مورد تأکید است. معلمان دوره ابتدایی باید این شناخت را برای دانش‌آموزان ابتدایی آموزش دهند. در این مسیر باید ابتدا ایشان را با خود وجودی آشنا سازند و رابطه مسایل پیرامونی را برای ایشان شفاف سازند. کودکان در این سن در مرحله شناخت هستند و به دنبال شناسایی رابطه مسایل از این‌رو وظیفه معلم این است که زمینه این شناخت را فراهم آورد. در این پژوهش، به شناخت حقوقی یعنی آنچه قابل مشاهده است و آموزش گام به گام نیز پرداخته شده است. یعنی برای آموزش تفکر معلمان ابتدایی باید ضمن ایجاد سازوکار شهودی برای دانش‌آموزان، آموزش را به شیوه‌ای تدریجی و گام به گام فراهم سازند. شناخت معنوی فردی و اجتماعی نیز در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، پرداختن معلمان به آموزه‌های ارزشی و معنوی در اولویت است. تشخیص مستندات اصول تفکر دینی، پاسخ هوشمندانه نسبت به مسایل با توجه به رهنمودهای قرآنی و پیش‌بینی مسایل معنوی با توجه به رهنمودهای قرآن از شاخص‌های دیگر شناخت تبیینی است.

نتایج پژوهش نشان داد که ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های معرفت‌شناختی آموزش فکری با تأکید بر رهنمودهای قرآن در معلمان دوره ابتدایی، شامل، شناخت اعتباری (قلب، حواس و ادراک)، شناخت اثباتی (شناخت محیط، مهارت و شناخت خود)، شناخت حقیقی (شهود و آموزش تدریجی)، شناخت تبیینی (شناخت معنوی فردی و اجتماعی) است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود:

- ارزیابی نگرش معلمان نسبت به شناخت در این مرحله کمک‌کننده است.
- آموزش معلمان نسبت به شناخت تفکر از طریق بصری بسیار در تدریس تفکر مؤثر خواهد بود.
- دادن استقلال فردی به معلمان در روش تدریس و ارائه راهبردهای تدریسی.
- رصد معلمان در تعهد نسبت به ارزش‌های انسانی، ایدئولوژیکی و اسلامی.
- ارتقای مهارت آموزی معلمان در الگو‌گزینی و چگونگی دانستن و همچنین توانایی در تفکر انتقادی
- توجه به تربیت تفکری قرآنی به شیوه‌ای تکوینی در بین معلمان.
- ارزیابی معلمان نسبت به تشخیص اصول عقلی مبتنی بر دین شناخت
- آموزش معلمان ابتدایی در تشخیص مستندات اصول تفکر دینی و دادن پاسخ هوشمندانه نسبت به مسایل با توجه به رهنمودهای قرآنی.

سهم مشارکت نویسندگان: این پژوهش حاصل بخشی از رساله دکتری نویسنده اول می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم و چهارم انجام شده است. به علاوه، تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله با تبادل نظر کلیه همکاران انجام شد.

تشکر و قدردانی: نویسندگان از همه همکاران و اساتید گرامی که در این تحقیق به ما کمک کرده‌اند، تشکر می‌کنند.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: پژوهش حاضر از هیچ مؤسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده و کلیه هزینه‌ها در طول فرآیند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است.

References

- Ahmadabadi, N., Tahidi, M., & Qutbi, F. (2017). *Comparative study of the foundations of epistemology of constructivism theory and the foundations of Islamic epistemology*. 5th International Conference on Psychology, Educational Sciences and Lifestyle, Payam Noor University, Qazvin. [Persian]
- Arnstein, A. C., & Hankins, F. P. (1994). *Philosophical, psychological and social foundations of the curriculum*. Translated by S. Khalili Shurini. Tehran: Yadavareh Ketab. [Persian]
- Bagheri, K. (2014). Philosophical research methods in education and epistemological basics. *Research in Teaching*, 1(2), 5-14. [Persian]
- Creswell, J. W. (2005). *Educational research: Planning, conducting and evaluating quantitative and qualitative research* (2nd ed.). Prentice Hall

- Delshad Tehrani, M. (2010). *Cheshme Khursheed: Introduction to Nahj al-Balagha*. Tehran: Darya Publications. [Persian]
- Faali, M. T. (2009). *Religious faith in Islam and christianity*. Tehran: Kanon andishe Javan. [Persian]
- Garibi, H., & Bahari Zar, K. (2016). The effectiveness of problem-solving training on students' math anxiety and self-regulation. *Journal of Instruction and Evaluation*, 8(32), 61-78. [Persian]
- Hamza Lo, V. (2013). *Investigating how to cultivate critical thinking in students in the classroom*. 1st national conference on sustainable development in educational sciences and psychology, social and cultural studies [Persian]
- Hashemabadi, B. A & Shahabi, M. (2010). Investigating the effectiveness of critical thinking training on self-esteem and problem-solving skills of female high school students. *Quarterly Journal of Educational Psychology*, 2(1), 52-22 [Persian]
- Hashemi, S. M. I. (2007). *Time and place in Kant's epistemological system*. Tehran: Mirror of knowledge, 9 [Persian]
- Holy Quran [Persian]
- Hosseinzadeh, M. (2018). *Comparative research in contemporary epistemology*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [Persian]
- Jabal-ameli Foroushani, Z., Yousefy, A., Ghaedi, Y., & Keshtiaray, N. (2015). The explanation of the philosophical fundamentals (epistemology) of teaching philosophy to children in Iran. *Research in Curriculum Planning*, 12(46), 1-9. [Persian]
- Javadi Amoli, A. (2018). *Tasnim Qom*. Qom: Isra Publishing Center. [Persian]
- Khomeini, R. (2006). *Tahrir al-wasila*. Translated by A. Eslami. Tehran: Islamic Publications Office. [Persian]
- Lewis, P. (2014). *Epistemology, an introduction to the theory of cognition*. Translated by R. Mohammadzadeh. Tehran: Imam Sadiq University.
- Lindström, A., & Weatherall, A. (2015). Orientations to epistemics and Deontic in treatment discussions. *Journal of Pragmatics*, 78, 39-53.
- Misbah Yazdi, M. T. (2017). *Teaching philosophy*. Tehran: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Molanori, F. (2014). *Comparison of critical thinking from the point of view of Anis and Professor Motahari*. Master's thesis, Al-Zahra University, Tehran.
- Motahari, M. (2014). *Collection of works*. Tehran: Sadra Publications. (retrieved from The late Misbah Yazdi)
- Norouzzadeh, R., & Siyami, L. (2017). Comparing epistemology from the perspective of Islam with epistemology from the perspective of structuralism theory. *Research Journal of Strategic Studies in Humanities and Islamic Sciences*, 2(11), 1-12. [Persian]

- Nowrozi Vand, H. & Shafiei, S. (2019). The effect of problem solving teaching method on students' learning. *Journal of New Developments in Psychology, Educational Sciences and Education*, 24, 12-23. [Persian]
- Padilla-Walker, L. M., & Carlo, G. (2014). The study of prosocial behavior: Past, present, and future. In L. M. Padilla-Walker & G. Carlo (Eds.), *Prosocial Development: A multidimensional approach* (pp. 3-16). New York, NY: Oxford University Press.
- Qadri Gask, M. R., & Jahani, J. (2016). *Investigating critical thinking in second year elementary school students in Birjand city and ways to strengthen it*. Investigating critical thinking in second year elementary school students in Birjand city and ways to strengthen it. [Persian]
- Sarmadi, M., & Masoomifard, M. (2018). Epistemological analysis of existentialism and its educational implications in distant education system (With emphasis on virtual education). *Research in School and Virtual Learning*, 5(4), 101-115. [Persian]
- Schemer, M. (2010). An evolving theoretical framework epistemological beliefs system. In B, K. Hofer & P. R. pint rich (Eds.), *personal epistemological: The psychology of beliefs about Knowledge and knowing*. Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Shabdin, A. (2013). What is the nature of science in the Qur'an and Islamic traditions and teachings. *Habl al-Matin*, 3, 129-144. [Persian]
- Shariat Madari, A. (2018). *Educational psychology*. Tehran: International Publishing Company (affiliated with Islamic Propaganda Organization) [Persian]
- Shen, X. (2022). *Research on the intellectual education evaluation in the comprehensive quality assessment of college students in the new era from the perspective of modern intelligence view*. In 2nd International Conference on Education: Current Issues and Digital Technologies (ICECIDT 2022) (506-515). Amsterdam, Netherlands: Atlantis Press.
- Shokohi, Gh. (2009). *Education and its stages*. Mashhad: Published by Astan Quds Razavi. [Persian]
- Simon, M. A. (2018). An emerging methodology for studying mathematics concept learning and instructional design. *The Journal of Mathematical Behavior*, 52, 113-121.
- Spencer, H. (2022). *Intellectual education*. New York: DigiCat.
- Sternberg, R. J. (2002). *Theory and practice*. New York: W. H. Freeman
- Yar Mohammadian, M. H. (2011). *Principles of lesson planning*. Tehran: Yadavare Kitab Publishing House. [Persian]

